

## گزارشی پیرامون نقض حقوق زنان در ولایت بادغیس

19-04-2005

معروف کبیری- هرات.



ولایت بادغیس که از فقیرترین و محرومترین مناطق میهن ماست، هم اکنون اجتماع آن از همهء امکانات رفاهی و تمدن نیم بند در دیگر نقاط کشور، محروم است و نقض حقوق زنان و حتا کودکان از گوشه و کنار آن موج میزند.

هر چند در اجتماع بشری همواره حق گرفتنی بوده نه اهدایی، اما در حق زنان این مناطق آنقدر حقوق پامال میشود که مردان جزئیترین حقی را برای این قشر محروم و نفرین شده، قایل نیستند.

جو مرد سالار و پدرسالاری حاکم در منطقه سبب شده تا دختران در سنین زیر 15 سال -  
که هنوز جزء کودکان اند- به بهای کم و پول ناچیز خرید و فروش شوند و جهت اشباع  
غریزه جنسی مردانی پیر، به خدمت شان قرار گیرند.

اعلم گل یکی از باشندگان قلعه نو که 52 سال دارد، یکسال قبل دختر 12 ساله را از  
پدرش خریده و هم اکنون در 13 سالگی زن اعلم گل است.

پژمردگی؛ جسمی نحیف و سراپا آلوده به درد این زن نشان میدهد که فشار و بی تفاوتی  
حاکم بالایش، او را دارد از بین میبرد.

خانم اعلم گل علاوه بر اینکه حضور کثیف و بویناک اعلم گل را باید تحمل کند، مجبور  
است تمام کارهای شاقهء یک زندگی اطرافی را هم بدوش بکشد و اجرا کند.  
مردان این منطقه کارهای شاقهء را به شانهء زنان انجام میدهند.

ازجانبی دیگر: زنی که 15 سال دارد و همسر مردی 65 ساله می باشد، ارتباط جنسی وی با  
بعضی جوانان منطقه بیانگر آن است که وی میکوشد غریزه جنسی اش را بدین طریق  
اشباع کند، زیرا با در آمدن وی به عقد نکاح پیرمرد 65 ساله حقوقش در نفس ضایع شده  
است.

فضل احمد که از خویشاوندان این زن است میگوید: "هروقت بخانه اش میرود، این زن او را  
مجبور میکند تا با وی بیامیزد."

فضل احمد میگوید: "این زن 15 ساله برایش گفته که شوهرش نمیتواند او را ارضاع کند و او لاجرم دست به کارهای خلاف میزند و آرزو دارد تا شوهرش بمیرد تا بتواند با فضل احمد ازدواج کند."

"این زن به فضل احمد گفته است: اکثر دخترانیکه در سنین پایین به مردانی پیر فروخته شدند، روابط نا مشروع با دیگران برقرار میکنند."

گفته میشود حاکمیت بعضی زورمندان و تفنگداران نیز مشکلات حادی را درین منطقه بوجود آورده و زورگویی به حدیست که چندین زن را یکماه پس از عروسی وی - با تهدید کردن شوهرش به مرگ- از خانه اش برون کرده و به عقد نکاح دیگری در آوردند.

عزیزالله افضلی والی این ولایت میگوید: "وقتی اطلاع یافته که زن جوانی را از شوهرجوانش گرفتند، شوهرش را خواسته و از وی پرسیده که چرا هنگامیکه تهدید شدی به ولایت مراجعه نکردی، و خانمت را به خواست زورگویان طلاق دادی؟ وی با هراسی که از تفنگداران داشت که مبادا او را بکشند، این خبر را تکذیب کرده و مدعی شده که زنش را نمیخواسته و به خواست خودش طلاق داده و به تفنگداران واگذاشته است."

این در حالیست که در مرکز و بعضی ولایات کشور بحث آزادی بیان، آزادی عقیده، عدالت انتقالی و دموکراسی مطرح است و گفتمانهای مبتنی بر رعایت حقوق بشر در جامعه شهروندی گوش همگان را لانه ساخته و همواره از رسانه ها داد زده می شود. گمان میرود اگر در بستر چنین حوادث نا گوار و تکان دهنده این مناطق، نمایندگی دفتر مستقل حقوق بشر ایجاد نشود و به دفاع از حقوق زنان و تحقق حقوق مدنی- شهروندی مردم این خطه تلاش نوزد، مشکل خواهد بود تا پدیده بنام حقوق بشر و حقوق زن را در چنین جوامعی ارباب سالار و زورگوی بشناسند و بدان احترام قایل شوند.



این اجتماع خود تصویر بارزیست که احترام به حقوق زنان را از جانب مردان نمایش میدهد!